

Jurisprudential and legal explanation of the right to work and its comparison in the five religions

The right to work is a nascent institution that has no precedent in the jurisprudential sources of the five religions. This fledgling institution was established to facilitate and prosper commercial transactions, because the development and fertility of business relationships and activities are always achieved in the history of mutual trust, reputation, expertise, speed and security. According to Islamic jurists, the contract that the representative concludes in his own name and on his own account and on his behalf is one of the examples of representation in general. By concluding a contract between the agent and the third party, the original becomes committed and entitled, and a direct legal relationship is established between the third party and the original. Hence, the contract of labor rights in the sense that is introduced in the law of Western countries and related countries, which consider labor rights as a kind of representation without representation, according to which there is no direct legal relationship between the original and the third party, in law. Islam is not an example of representation and advocacy; Because in Islamic law, first of all, power of attorney is one of the examples of representation and the relationship between representation and power of attorney is absolute contrary to the law of other countries, general and special, not my general and special aspect. In order to clarify the jurisprudential and legal nature of the right to work, we decided to study the jurisprudence and law of the right to work

تبیین فقهی و حقوقی حق العمل کاری و مقایسه آن در مذاهب خمسمحمد عبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۷

حمید مسجدسرای^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

هرمز اسدی کوه باد^۳**چکیده:**

حق العمل کاری نهاد نوپایی است که در مآخذ فقهی مذاهب خمس سابقه ای نداشته است. این نهاد نوپا، جهت تسهیل و رونق معاملات تجاری پا به عرصه وجود گذاشت، چرا که همواره توسعه و باروری روابط و فعالیت ها تجاری در سابقه اعتماد متقابل، شهرت، تخصص، سرعت و امنیت در آن به دست می آید. به اعتقاد فقیهان اسلامی، قراردادی که نماینده به نام خود و به حساب اصیل و از طرف وی منعقد می کند از مصادیق نمایندگی به طور کلی است. با انعقاد قرارداد بین نماینده و شخص ثالث، اصیل متعهد و ذیحق میگردد و رابطه حقوقی مستقیمی بین ثلث و اصیل برقرار می شود. از این رو، قرارداد حق العمل کاری به مفهومی که در حقوق کشورهای غربی و وابسته با آن مطرح است که حق العمل کاری را نوعی وکالت بدون نمایندگی می دانند که به موجب آن رابطه حقوقی مستقیمی بین اصیل و شخص ثالث ایجاد نمی شود..

کلمات کلیدی:

حق العمل کاری، فقه، مذاهب خمس

^۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

^۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

^۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

متون فقهی، به دلیل اهمیت و گستردگی مسائل بازرگانی، از زوایای مختلف به بررسی آن پرداخته و در مجموعه های وسیعی از احکام و مقررات آن را تبیین کرده است؛ زیرا از طرفی بازرگانی شغل رایج مردم سرزمین حجاز و جایگاه تشریح احکام اسلامی بوده است و همه ی مردم، چه بازرگانان و چه طرف مبادله آنان، با مسائل بازرگانی درگیر بودند. از طرف دیگر رابطه بازرگانی با تولید و نقش آن در رشد تولید و دستیابی به اهداف دیگر اقتصادی نیازمند سیاستگذاری صحیح و قوانین و مقررات جامع است. یکی از موضوعاتی که در مکتب اقتصادی اسلام مطرح شده است، حق العمل کاری است.

حق العمل کاری نهاد نوپایی است که در مآخذ فقهی مذاهب خمسسه سابقه ای نداشته است. این نهاد نوپا، جهت تسهیل و رونق معاملات تجاری پا به عرصه وجود گذاشت، چرا که همواره توسعه و باروری روابط و فعالیت ها تجاری در سابقه اعتماد متقابل، شهرت، تخصص، سرعت و امنیت در آن به دست می آید. حق العمل کاران در عرصه تجارت می توانند این مهم را برای تجار به ارمغان بیاورند و باعث رشد و شکوفایی تجار گردند، کما این که حق العمل کار در عرصه داخلی و خارجی گسترش چشم گیر داشته و این خود نشان از مشرثمر بودن آن است. با عنایت به این که قلمرو تجارت نیازمند وجود حق العمل لکاران است، بحث حق العمل کار نیز وارد سیستم حقوقی کشور ما گردید. قرارداد حق العمل کار، در شمار عقود است. اوصاف این عقد عبارتند از: معاوضه ای، عهدی، لازم و مغاینه ای و امانت و نیابت نیز به عنوان آثار فرعی عقد محسوب می شود. هر یک از طرفین عقد حق العمل کار در برابر یکدیگر حقوق و تعهداتی دارند. به نحوی که حقوق یک طرف، تعهدات طرف دیگری محسوب می شود. مطالبه حق العمل و سایر مخارجی که حق العمل کار در راستای ایفای وظایف خود متحمل شده و هم چنین حق حبس حق العمل کار از جمله حقوقی است که حق العمل کار در برابر آمر دارد. متقابلاً نیز حق العمل کار در برابر آمر متعهد به رعایت مصلحت آمر و عدم تعدی و تفریط در انجام مأموریت است. هم چنین وی متعهد است آمر را از جریان اقدامات خود به خصوص انجام مأموریتش مطلع نموده و حساب مدت تصدی خود را به آمر ارائه دهد. تعهد حق العمل کار مبنی بر انجام معامله به نام خود و

به حساب دیگر، یکی از عناصر مهم و جوهری در تشکیل و تحلیل قرارداد حق العمل کار و نیز تمایز آن با سایر قراردادهای مشابه است. قرارداد حق العمل کار به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان ماهیت نمایندگی و وکالت را دارد. اما با توجه به تفاوت آشکار که میان این قرارداد و عقد وکالت وجود دارد، توصیف این نهاد در پرتو عقد وکالت صحیح نمی باشد. از این رو باید با توجه به اوصاف و عناصر وجود قرارداد مذکور، ماهیت مناسب آن تعیین شود. به نظر می رسد عقد اجاره اشخاص بتواند ماهیت مناسبی برای این قرارداد باشد و این قرارداد را با نظام حقوقی ایران منطبق نماید.

به اعتقاد فقیهان اسلامی، قراردادی که نماینده به نام خود و به حساب اصیل و از طرف وی منعقد می کند از مصادیق نمایندگی به طور کلی است. با انعقاد قرارداد بین نماینده و شخص ثالث، اصیل متعهد و ذیحق میگردد و رابطه حقوقی مستقیمی بین ثالث و اصیل برقرار می شود. از این رو، قرارداد حق العمل کاری به مفهومی که در حقوق کشورهای غربی و وابسته با آن مطرح است که حق العمل کاری را نوعی وکالت بدون نمایندگی می دانند که به موجب آن رابطه حقوقی مستقیمی بین اصیل و شخص ثالث ایجاد نمی شود، در حقوق اسلام از مصادیق نمایندگی و وکالت به شمار نمی روند؛ زیرا در حقوق اسلام اولاً، وکالت یکی از مصادیق نمایندگی است و رابطه نمایندگی و وکالت بر خلاف حقوق کشورهای دیگر عام و خاص مطلق است نه عام و خاص من وجه و به همین دلیل با فقدان وصف نمایندگی، وکالت نیز منتفی می شود، ثانیاً، برخلاف حقوق کشورهای دیگر در جایی که نماینده به نام خود و به حساب اصیل قرارداد می بندد رابطه حقوقی مستقیمی بین اصیل و شخص ثالث برقرار می شود. در کنار حق العمل کاری نهادها تجار مشابه دیگر چون وساطط، عاملیت و قائم مقام تجاری در قانون تجارت به چشم می خورد. وجه اشتراک این سه نهاد در این است که قانونگذار و حقوق دانان ماهیت آنها را ذیل عنوان وکالت مورد بررسی قرار می دهند. بنابراین تبیین وجود تمایز و قیاس حق العمل کاری از سایر قراردادهای مشابه ما را در شناخت ماهیت حقوقی این نهاد یاری خواهد نمود. در همین راستا جهت روشن شدن ماهیت فقهی و حقوقی حق العمل کاری بر آن شدیم با روش توصیفی - تحلیلی بر پایه اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی به بررسی فقهی، حقوقی حق العمل کاری و مقایسه آن با قراردادهای مشابه بپردازیم.

با توجه به وجود بستر قانونی و نیز وضعیت فعلی حق العمل کاری و ضرورتا فراهم کردن تسهیلات مطلوب در بخش تجارت خارجی و اجتناب از شکل گیری نوعی انحصار در بازار کار و اشتغال و نقش حق العملکار به عنوان رابط قانونی بخش تجارت خارجی با دولت در راستای عدالت اجتماعی و قانون عرضه و تقاضا در بازار کار و لزوم دسترسی آسان به حق العملکاران، پرداختن و تبیین موضوع حق العمل کاری ضروری می باشد.

از طرفی اهمیت و ضرورت این بحث را می توان از فراوانی احکام فقهی و گوناگونی آثار اجتماعی آن، دریافت. امروزه، درباره ی معاملات و عقود، مسائل فراوانی وجود دارد که بعضا مورد پرسش خیلی از افراد هست. برخی از افراد با نگاهی مغرضانه احکام دین را بازیچه افکار خود قرار داده و جنبه الوهیت آن را انکار می کنند و سعی در تخریب احکام دین دارند. با توجه به رشد و توسعه تجارت خارجی و ایجاد زمینه رقابت بین بازرگانان و نیز لزوم توسعه سطح اشتغال، مقوله حق العمل کاری در گمرک و تبیین شمای کلی از آن و تشریح اهداف، اهمیت، مزایا، موانع، شرایط و شیوه های حق العمل کاری لازم به نظر می رسد. اهمیت این موضوع به حدی است که در آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱ مواد ۳۷۶ تا ۳۱۷ بدان اختصاص یافته است و در چارچوب قانونی صدور کارت حق العمل کاری، تمدید آن و استمرار کار حق العمل کار از وظایف و اختیارات گمرک به شمار می رود.

در این پژوهش به بررسی نقش احکام ثانویه در تفسیر عقود و قراردادهای مذاهب خمسیه می پردازیم، احکام ثانویه از دیدگاه مذهب شیعیه یا از دیدگاه ام خمینی (ره) تاکنون موضوع بحث و تحلیل های زیادی بوده است؛ اما در مذاهب خمسیه موضوع بحث نبوده است. به عبارت دیگر، نوآوری این مطالعه در تشکیل هرم احکام ثانویه، مذاهب خمسیه و عقود و قراردادهای مالی می باشد. از آنجایی که هر ساختار هرمی از خود برآیندی دارد، برآیند خلاقانه این مطالعه نیز یکسویی و یکپارچگی مذاهب خمسیه در پوشش دادن خلا موجود در عقود و قراردادهای مالی در عصر تکنولوژی می باشد تا هر چه بهتر و با سهولت بیشتری در راستای بستن عقود و قراردادهای مالی دقیق گام نهاده شود و دشواری ها و ابهامات به کنار زده شوند.

پیشینه پژوهش

پژوهش های انجام شده در داخل کشور

در راستای تحقیق حاضر تحت عنوان بررسی فقهی، حق العمل کاری و مقایسه آن با قراردادهای مشابه « تألیفات متعددی انجام شده که ذیلاً به چند مورد اشاره می کنیم:

۱-ستوده تهرانی (۱۳۸۰) در پژوهش خود عنوان میدارد حق العمل کار همانند دلال واسطه در معاملات است با این تفاوت که دلال جز معرفی طرفین معامله به یکدیگر وظیفه ای ندارد و جز با اجازه مخصوص نمی تواند نمایندگی یکی از طرفین را عهده دار باشد اما حق العمل کار خود طرف معامله بوده و علاوه بر آن که در مقابل طرف معامله مسئول انجام تعهداتی می باشد که بنام خود تقبل کرده است، در مقابل امر نیز مسئول است که حاصل معامله را به او واگذار نماید. بنابراین حق العمل کار دو تعهد مستقیم دارد؛ یکی در مقابل طرف معامله که صرف نظر از این که امر، معامله را قبول کند یا خیر، مسئول انجام تعهداتی است که تقبل کرده است و دیگر در مقابل امر، که باید انجام معامله را به اطلاع او برساند و حاصل معامله را در اختیار او بگذارد ولی باید در نظر داشت که چنانچه حق العمل کار حسن انجام معامله را ضمانت نکرده و کوتاهی هم نکرده باشد، مسئول عدم اجرای معامله از جانب طرف معامله نخواهد بود .

۲-شهبیدی (۱۳۸۸) بیان میکند طبق ماده ۳۸۰ آیین نامه اجرایی مدت اعتبار پروانه حق العمل کاری فقط یکسال از تاریخ صدور آن است در صورتیکه دارنده پروانه مایل به ادامه حق العمل کاری در گمرک باشد باید قبل از انقضاء مدت و با پرداخت بهای تمبر پروانه و تسلیم دفتر مخصوص حق العمل کاری موضوع ماده ۳۱۳ این آئین نامه درخواست تمهید آن را از گمرکی که پروانه را گرفته بکند رئیس گمرک محل در صورتی که تخلفی که مستلزم محرومیت دائم یا موقت از شغل حق العمل کاری باشد از متقاضی ندیده و ادامه شغل او را صلاح بداند می تواند با ملاحظه دفتر حق العمل کاری سال قبل و پلمپ و امضای دفتر حق العمل کاری سال بعد تا یکسال دیگر پروانه را در صورتیکه حق العمل کار سابقه ترخیص سالانه حداقل یکصد اظهارنامه در گمرک خانه های درجه ۱، یا پنجاه اظهارنامه در گمرک خنله های درجه ۲، یا ۲۵ اظهارنامه در گمرک خنله های درجه ۳ داشته باشد تمدید نماید .

۳-رضا آخوندی از دانشگاه امام صادق از پایان نامه خود تحت عنوان (نمایندگی تجاری مستقل در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه) در سال ۱۳۸۴ دفاع کرده است . همانطور که از عنوان پایان نامه مشخص است ایشان تنها به نمایندگی مستقل پرداخته است و انواع دیگر نمایندگی را مورد بررسی قرار نداده است به علاوه طبیعتاً اشاره ای نیز به مقررات لایحه قانون تجارت نگردیده است.

۴-عارف لطف الهی از دانشگاه اردبیل از پایان نامه خود تحت عنوان (رابطه حقوقی دلال، حق العمل کار و نمایندگان تجاری با امر) در سال ۱۳۹۰ دفاع کرده است. ایشان در پایان نامه مذکور شناخت اطراف قراردادهای

نمایندگی با محوریت آمر را مورد بررسی قراردادده است. مبحث مورد اشاره ایشان در حقیقت به حقوق و تعهدات طرفیت رابطه های تجاری را پوشش می دهد اما جنبه های دیگر مد نظر ما مورد بررسی قرار نگرفته است.

۵- ریحانه زارعی از دانشگاه علامه طباطبایی از پایان نامه خود تحت عنوان (حقوق و تکالیف نماینده تجاری در حقوق ایران و اتحادیه اروپا) در سال ۱۳۸۷ دفاع نموده است. همان طور که از عنوان پایان نامه مشخص است نگارنده حقوق و تکالیف نماینده نسبت به اصیل و ثالث را مورد بررسی جامع قراردادده است و تنها با قسمتی کوچک از مباحث مورد نظر ما هم پوشانی خواهد داشت.

۶- بررسی تطبیقی شرایط و آثار قرارداد دلالی با تأکید بر لایحه تجارت ایران، نویسنده ابذر جعفری، دانشگاه تبریز ۱۳۹۱. این پژوهش به موضوعاتی در زمینه های حقوقی و حقوق تجارت، نقش و جایگاه واسطه گری در فقه و از دیدگاه فقها پرداخته است.

۷- قنوتی، جلیل. (۱۳۸۱)، ماهیت حقوق نمایندگی، مجتمع آموزش عالی، شماره ۱۲: پژوهش مذکور در در پاسخ به این پرسش که آیا رابطه نمایندگی حق است یا حکم؟ تدوین یافته است. بر اساس یافته های این پژوهش، نمایندگی قراردادی از زمره حقوق و نمایندگی قانونی و قضایی از زمره احکام تلقی می شود، زیرا معیار اصلی تمایز بین حق و حکم، قابلیت نقل و انتقال و اسقاط می باشد و این ویژگی در نمایندگی قراردادی وجود دارد؛ بنابراین نمایندگی قراردادی حق تلقی می شود. اما در نمایندگی قانونی و قضایی به دلیل نبود این ویژگی ها، رابطه نمایندگی از زمره احکام محسوب می شود. هم چنین، در تبیین لزوم و جواز رابطه نمایندگی باید گفت که رابطه نمایندگی قراردادی در سه نظام حقوقی اسلام، ایران و انگلیس رابطه جایز تلقی می شود. در حقوق ایران و اسلام در قالب شرط ضمن عقد می توان به رابطه نمایندگی نیروی الزام آور بخشید. در حقوق انگلیس نیز می توان در ضمن عقد جایز دیگری به رابطه نمایندگی نیروی الزام آور داد.

۸- اسکینی، ربیعا؛ بهنام فرید، دل افروز. (۱۳۹۰)، ساختار و ماهیت حقوقی حق العمل کاری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳: بر اساس یافته های مقاله مذکور، قرارداد حق العمل کاری به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان ماهیت نمایندگی و وکالت را دارد. اما نظر به تفاوت آشکاری که میان این قرارداد و عقد وکالت وجود دارد، توصیف این نهاد در پرتو عقد وکالت صحیح نمی باشد. از این رو باید با توجه به اوصاف و عناصر وجودی قرارداد مذکور، ماهیت مناسب آن تعیین شود. این ماهیت مناسب، عقد اجاره ی اشخاص است که به لحاظ تحلیلی و عملی آثار مفیدی را از خود بر جای گذاشته و این قرارداد را با نظام حقوقی ایران منطبق می نماید.

۹- عربصالحی، مهدی؛ صالحی کهریزسنگی، هاجر. (۱۳۹۱)، مبانی تئوری نمایندگی، مجله حسابداری و مدیریت مالی، سال سوم- شماره ۱۱: در مقاله مذکور تلاش شده است، به بیان مبانی نظری تئوری نمایندگی و چگونگی ایجاد مشکلات و هزینه های نمایندگی ناشی از تضاد منافع مدیران و مالکان پرداخته شود.

از جمله کتابهایی که به صورت پراکنده به مبحث حق العمل کاری و موضوعات پیرامون آن پرداختند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ابن نجیم مصری (شیخ زین الدین). (۱۹۹۷)، البحر الرائق، بیروت: دارالکتب العلمیه

- ابن زهره الحلبي، حمزه بن علی حسینی. (۱۴۱۷ه.ق)، غنیه النزوع، قم، مؤسسه امام صادق (ع)

- شورابی، عبدالحمید. (۲۰۰۱)، الالتزامات و العقود التجاریه، اسکندریه: منشاه المعارف

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۳۴۳)، المغنی بیروت: دارالکتب العربی

- الناهی، صلاح الدین. (۱۹۶۲م)، الوسیط فی شرح القانون التجاری العراقی، بغداد: بی نا، چاپ چهارم

- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۰۵ه.ق)، المصباح المنیر، تهران: مؤسسه والهجره

- القطان، مناج. (۱۹۸۳م)، التشریح و الفقه فی الاسلام، بیروت: مؤسسه الرساله

- عالیه، سمیر. (۱۹۹۶)، علم القانون و الفقه الاسلامی، بیروت: مؤسسه الجامعیه

- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العرب

موسوی البجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۰ ه. ق). القواعد الفقہه ج ۵. چاپ اول. قم: نشر الهدی.

- خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ ه. ق). البیع چاپ پنجم. قم: مؤسسه نشر اسلامی .

- شبیر، محمد عثمان (۱۴۱۹ ه. ق). المعاملات المالیه المعاصره فی فقه الاسلامی. چاپ دوم. عمان: دارالنفایس للنشر و التوزیع.

- الزحیلی، وهبه (۱۹۹۷ م). بیع الدین فی شریعه الاسلامیه. چاپ اول. دمشق: دارالمکتبیه.

- حماد، نزیه (۱۹۹۳ م). معجم المصطلحات الاقتصادیه فی لغه الفقہا . چاپ اول. ویرجینیا: المعهد العالمی للکفر اسلامی.

-شهیدی، مهدی (۱۳۸۶ ه. ش). آثار قراردادهای و تعهدات. چاپ سوم. تهران: مجد.

مفهوم قرارداد

مفهوم: قراردادی که در آن حق العمل کار به اسم خود ولی به حساب آمر معاملاتی انجام داده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد. (ماده ۳۵۷ قانون تجارت)

عناصر: ۱- آمر ۲- حق العمل کار ۳- طرف قرارداد

قاعده: طبق ماده ۳۵۸ قانون تجارت حق العمل کاری اصولاً تابع مقررات راجع به وکالت است لذا رابطه ی حق العمل کار با آمر از نوع وکالت است.

وظایف: الف: ۱- حق العمل کار باید در حدود اختیارات و دستورات آمر عمل کند. ۲- مصلحت آمر را رعایت کند. ۳- آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر سازد. ۴- اموال تحت تصرف خود را محافظت نموده و تعدی و تفریط ننماید.

ب: آمر باید حق العمل کار را مطابق مواد ۳۶۹ و ۳۷۰ قانون تجارت پرداخت کرده و همچنین مخارجی را که او کرده بپردازد (ماده ۳۶۸ قانون تجارت) و تعهداتی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته اجرا کند.

اجرای تعهدات طرف معامله

حق العمل کار مسئول اجرای تعهدات طرف قرارداد نیست مگر در موارد استثنایی مذکور در ماده ۳۶۷ قانون تجارت که عبارتند از؛ ۱- حق العمل کار مجاز در معامله به اعتبار نبوده باشد ولی معامله به اعتبار کرده باشد.

۲- حق العمل کار شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده باشد. ۳- عرف تجارتي حق العمل کار را مسئول قرار دهد.

رابطه حق العمل کار با طرف قرارداد

قاعده: حق العمل کار در مقابل ثالث یعنی طرف قرارداد اصیل محسوب می‌شود. حق العمل کار باید خودش تعهدات قراردادی را اجرا کند، زیرا اگرچه تعهدات مزبور را به حساب آمر پذیرفته، لکن به نام خود معامله کرده است و طرف قرارداد فقط او را مسئول می‌داند. (برخلاف وکالت)

رابطه آمر با طرف قرارداد

در حق العمل کاری، برخلاف وکالت چون معامله به نام حق العمل کار منعقد شده، آمر هیچ تعهدی در مقابل طرف قرارداد ندارد، هرچند که طرف از سمت حق العمل کار (اصیل نبودن حق العمل کار) و مشخصات آمر مطلع باشد.

طبق قواعد کلی نمایندگی که وکالت و حق العمل کاری از مصادق آن هستند، نماینده هر عملی در حدود اختیاراتش انجام دهد کاملاً به حساب منوب عنه است لذا ماده ی ۳۶۵ قانون تجارت که مقرر می‌دارد اگر حق اعمال کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر معین نموده بفروشد باید آن را در حساب آمر محسوب دارد مطابق با مقررات وکالت است.

برخلاف دلال، حق العمل کار زمانی مستحق اجرت است که معامله را اجرا کرده باشد. (ماده ۳۶۹ قانون تجارت)

رابطه حق العمل کار با طرف قرارداد

قاعده: حق العمل کار در مقابل ثالث یعنی طرف قرارداد اصیل محسوب می‌شود. حق العمل کار باید خودش تعهدات قراردادی را اجرا کند، زیرا اگرچه تعهدات مزبور را به حساب آمر پذیرفته، لکن به نام خود معامله کرده است و طرف قرارداد فقط او را مسئول می‌داند. (برخلاف وکالت).

رابطه آمر با طرف قرارداد

در حق العمل کاری، برخلاف وکلالت چون معامله به نام حق العمل کار منعقد شده، آمر هیچ تعهدی در مقابل طرف قرارداد ندارد، هرچند که طرف از سمت حق العمل کار (اصیل نبودن حق العمل کار) و مشخصات آمر مطلع باشد.

طبق قواعد کلی نمایندگی که وکلالت و حق العمل کاری از مصادق آن هستند، نماینده هر عملی در حدود اختیاراتش انجام دهد کاملاً به حساب منوب عنه است لذا ماده ۳۶۵ قانون تجارت که مقرر می دارد اگر حق اعمال کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر معین نموده بفروشد باید آن را در حساب آمر محسوب دارد مطابق با مقررات وکالت است.

برخلاف دلال، حق العمل کار زمانی مستحق اجرت است که معامله را اجرا کرده باشد. (ماده ۳۶۹ قانون تجارت)

حق العمل کار در صورتی می تواند شخصاً طرف معامله قرار گیرد که:

قرار دادن حق العمل کاری این حق را به او داده باشد.

یا مورد معامله در بورس یا در بازار، منظره روز داشته باشد.

حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت. (ماده ۳۷۱ قانون تجارت)

• شناسایی حق العمل کار

اشخاص به بهانه متفاوتی به استفاده از حق العمل کاری روی می آورند. مثلاً شخصی تخصص در رشته مورد نظر ندارد یا این که اعتبار خود را در بازار از دست داده و نمی خواهد طرف معامله قرار بگیرد. به موجب ماده ۳۵۷ قانون تجارت، حق العمل کار به نام خود و به حساب دیگری معامله می کند اما دلال به نام و حساب دیگری دلالی می کند. حق العمل کاری نیز مانند دلالی عقد جایز، اذنی و معوض می باشد. زیرا در

مقابل عمل خود، حق العمل دریافت می کند. دلالی، حق العمل کاری و تصدی گری حمل و نقل اصولاً تابع مقررات وکالت می باشند مگر مواردی که قانون تجارت استثنا کرده باشد.

مفهوم قرارداد (عقد)

مفهوم لغوی قرارداد

عقد در لغت به معنای گره زدن و بستن در مقابل گشودن یا ربط و وصل در مقابل حل است. (ابن

منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۶)

مفهوم فقهی

عقد به معنای عهد یا عهد مؤکد است و به عبارت دیگر موجودی اعتباری که در آن الزام و التزام نهفته است

(نائینی، ۱۴۱۸، ۳۳) در معنای دیگری عقد عبارت است از تعهد و معاهده شخص با شخص دیگری در امری از

امور است خواه این امر امور مالی باشد (مثل معاوضات) و خواه از امور غیر مالی (مثل نکاح)، که با انعقاد عقد

(قرارداد) آن امر در عالم اعتبار حاصل و آثارش بر آن مترتب می شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱۳۵)

مفهوم حقوقی قرارداد

عقد یا قرارداد عمل حقوقی است که به توافق صورت می گیرد. نمایندگان دو نفع متضاد برای رسیدن به هدفی

خاص برای خود بر سر یک راه مشترک برای رسیدن به این هدف با هم به توافق می رسند همین توافق اراده ها

را عقد یا قرارداد می گویند. ماده ۱۸۳ ق م عقد را این چنین تعریف می کند "عقد عبارت است از اینکه یک یا

چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آنها باشد". بسیاری از حقوق دانان از

جمله دکتر صفایی و دکتر شهیدی معتقدند این تعریف از ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه اخذ شده است. به همین

دلیل همان ایراداتی که در ماده ۱۱۰۱ هست به ماده ۱۸۳ قانون مدنی نیز وارد دانسته اند. تعریف عقد قانونگذار

فرانسه در ماده ۱۱۰۱ می گوید "عقد عبارت از آنکه یک یا چند شخص در مقابل یک یا چند شخص دیگر تعهد به

انتقال مال، انجام کار یا عدم انجام کاری نمایند یا مورد قبول آنها باشد. در بدو امر قانونگذار فرانسه بهتر عمل

کرده و جزئی تر اما ماده ۱۸۳ قانون مدنی ما کلی تر بیان شده است. تفاوت ماهوی این دو ماده به کلمه ی تعهد بر می گردد. با توجه به تحلیل و بررسی در ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه و همچنین از عبارت های یک نویسنده فرانسوی به نام پوتیه اخذ شده که دارای یک کتاب با نام حقوق تعهدات و پدر حقوق تعهدات نامیده می شود. به نظر می رسد ایراداتی به این ماده وارد شده است :

۱- قانونگذار فرانسوی تنها تعریف عقد عهدی را بیان کرده است و به این ترتیب عقد تملیکی از شمول این تعریف خارج است (با توجه به کلمه تعهد)

۲- قانونگذار فرانسوی تنها به تعریف عقد مالی پرداخته است و عقد غیرمالی چون نکاح را این تعریف شامل نمی شود. با توجه به کلمه حق که تقسیم می شود به حق مالی و حق غیر مالی که حق مالی شامل حق عینی (حق مالکیت، حق انتفاع و حق ارتفاق) و حق دینی شامل (تعهد به انتقال مال، تعهد با انجام کار، تعهد به عدم انجام کار می شود و حق غیر مالی شامل حق زوجیت و ابوت... می شود. بنابراین از دیدگاه قانونگذار فرانسوی اول اینکه عقد وسیله ایجاد حق مالی است نه وسیله اجرای حق غیر مالی دوم اینکه در این ماده قانونگذار فرانسوی تنها به تعریف عقد یک تعهدی با عقد غیر معوض پرداخته است زیرا با توجه به تعهد یک شخص در مقابل یک یا چند شخص دیگر که انگار تعهد از یک طرف، و طرف مقابل تعهدی نمی کند. (شهابی، ۱۳۹۲، ۱۵)

سپس به بررسی و تحلیل ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران می پردازیم که:

۱- ماده ۱۸۳ ایراد آن این است که عقد تنها شامل عقود عهدی است و عقود تملیکی را شامل نمی شود. چرا که در عقد تملیکی برخورد دو اراده بر ایجاد عقد به تنهایی کافی است و ماهیت حقوقی آن انتقال مالکیت است در صورتی که عقد عهدی هنگامی که دو اراده به هم برخورد می کنند زمانی که این ماهیت را بررسی می کنیم در آن تعهد به انتقال مالکیت می بینیم.

۲- با توجه به تعریف عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران عبارت "تعهد امری" آمده که شامل عقد مالی و عقد غیرمالی می شود که به نظر می رسد ایراد دوم که در ماده ۱۱۰۱ وارد است وارد نیست.

۳- ایراد سوم نیز آن را عقد یک تعهدی یا غیر معوض دانسته است

۴- ایراد چهارم این است که شخص حقوقی را در نظر نگرفته است با آوردن کلمه نفر تنها شخص حقیقی را شامل می شود. در نتیجه به بررسی ایرادات ذکر شده در بالا می پردازیم.

الف- بررسی ایراد دوم:

"العقد عبارة عن تعهد الشخص مع الآخر فی امر من الامور سواء اكان ذلك امر، امرا" مالی" كباب المعاوزات او امرا" غیرمالی كباب النكاح حينما ان الزوجه تتعهد ان تكون زوجه و يتقبل الزوج. به نظر می رسد با توجه به اینکه در خود جمله اشاره به مالی و غیرمالی شده پس ایراد دوم هم وارد نیست.

ب- بررسی ایراد سوم:

با توجه به کلمه مع الآخر (با دیگری) و تعهد الشخص در جمله ایراد سوم هم وارد نیست (شهابی، ۱۳۹۲، ۱۸).

ج - بررسی ایراد اول:

عقد عبارت از جوش خوردن دو اراده که می تواند معاوضی یا غیرمعاوضی باشد این تعریف به اثر نیست بلکه به ماهیت است. در اینجا نویسنده تعهد را به معنای عقد آورده، برخورد دو اراده که اثر آن بعدا ظاهر می شود. و تعهد را به عنوان اثر عقد نیاورده. به نظر می رسد قانونگذار در تعریف فقط به برخورد دو اراده توجه کرده و به ایجاد تعهد وارد نشده که عقد عهدی یا تملیکی را درگیرد. اگر تعهد را در ماده ۱۸۳ قانون مدنی برخورد دو اراده بدانیم بنابراین از فقه گرفته شده و ایراد اول هم نیز وارد نیست.

مفهوم تفسیر

مفهوم لغوی تفسیر

تفسیر در لغت به توضیح دادن، پدید کردن، هویدا کردن، (معین، ۱۳۶۲، ۱۱۳) و همچنین به معنی بر گرفتن نقاب از چهره (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ۱۹)، کنار زدن پوشش، نمایاندن، واضح و آشکار ساختن، بیان کردن، شرح روشن نمودن، توضیح دادن (لنگرودی، ۱۳۷۱، ۱۷۰) و هم‌رنگی است (عمید، ۱۳۸۱؛ ۳۲۹).

مفهوم فقهی تفسیر

تفسیر در فقه به معنی علمی است که در توضیح دادن آیات قرآن و احادیث کاربرد دارد (عمید، ۱۳۸۱، ۴۴۶).

مفهوم حقوقی تفسیر

در علم حقوق با توجه به شاخه‌های مختلف این رشته می‌توان معانی مختلفی برای این لفظ بیان نمود. در اصطلاح حقوقی، تفسیر قرارداد عبارت است از جستجوی دلالت دقیق آن و مشخص کردن گستره تعهدات قراردادی با بهره‌گیری روش‌هایی که هر چه دقیق‌تر اندیشه متعاقدين را ممکن سازد (صالحی راد، ۱۳۸۸، ۳۹). در منطق حقوق، تفسیر به معنای یافتن نزدیک‌ترین و بهترین معنا برای یک قاعده حقوقی است (جعفری تبار، ۱۳۸۳، ۲۳۵). و تفسیر در این حوزه عبارت است از: کوششی که حقوقدانان برای درک نمادهای حقوقی به کار می‌گیرند. در این تعریف است که نهادی در حوزه‌های مختلف سنجیده می‌شود تا میزان ارزش آن مشخص گردد و معنای مطلوبی در آن به دست آید. در حوزه حقوقی تفسیر یا ناظر به تفسیر قانون و مصوبات قوای حاکم است یا درباره‌ی تفسیر قراردادهای خصوصی (جعفری تبار، ۱۳۸۳، ۲۳۵). در تفسیر قانون، دادرسی در پی احراز معنا به روح قانون و عرف و عادات مسلم و وجدان اجتماعی نظر دارد که خود شامل مصالح و مفاسد اجتماعی است و سعی می‌کند معنایی برگزیند که

شايسته متن حقوق باشد که این عوامل در ارتباط باهم به شکل چرخه‌ای هستند که قانون بر اساس آن تفسیر شده و اجرای آن در زمان و مکان به بهترین نحو میسر می‌گردد.

در روابط حقوقی اشخاص نیز تفسیر واجد اهمیت فراوان است. در بحث قرارداد، تفسیر شامل دو معنای عام و خاص است که محدوده معنایی تفسیر نیز هست. در معنای اعم، تفسیر عبارت است از: تشخیص ابهامات و نواقص موجود در قرارداد و سعی در رفع آنها با ابزاری خاص است. در این معنی است که هرگونه نهاد حقوقی که موضوعش رفع حجاب و ابهام از قرارداد یا دیگر ماهیت‌های حقوقی باشد داخل در تعریف تفسیر است و همان‌گونه که در بحث بعدی توضیح داده خواهد شد، نهادی همانند توصیف داخل در معنای تفسیر وجود دارد، چرا که به وضوح و آشکارتر شدن قرارداد کمک می‌کند. در معنی اخص، تفسیر عبارت است از: تشخیص ماهیت و مفاد و طرف‌های قرارداد و نیز حدود اختلاف در هنگام اجرای قرارداد که ناشی از اجمال و ابهام در مفاد قرارداد است. تفسیر در این معنی است که محدوده و مرز مشخصی بین خود و نهادهای دیگر حقوقی مشابه ایجاد می‌کند و از حدود و وسعت خویش می‌کاهد. با بررسی تعاریف ارائه‌شده آنچه در معنای تفسیر مهم اساس است وصف آشکار کردن و زدودن ابهام از اراده‌ی طرفین قرارداد است به‌طوری‌که شیخ مرتضی انصاری (ره) در کتاب ارزشمند خود به نام فرائدالاصول معروف به رسائل تفسیر عبارت است از: کشف مقصود یا برداشتن پرده و حجاب از کلام یا عبارات قراردادی و تشخیص قصد متعاقدین می‌داند (انصاری، ۵۷، ۱۳۸۱). و این فرض هنگامی تحقق پیدا می‌کند که عبارات قرارداد واضح نباشد و چنانچه قرارداد واضح باشد تفسیر آن جایگاهی ندارد، زیرا حجابی نیست که بخواهیم با تفسیر آن را مرتفع کنیم (سنه‌وری، ۴۲۹، ۱۳۹۰).

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، در حقوق ایران تعریف تفسیر قرارداد در هیچ‌یک از متون قانونی منعکس نشده و حتی بخشی مستقل نیز به این بحث اختصاص داده نشده است. در نظام حقوقی انگلستان نیز هیچ‌یک از متون قانونی به تعریف تفسیر نپرداخته است، ولی حقوقدانان و آرای قضایی

این نقیصه را جبران نموده‌اند که فرهنگ حقوقی **black** در تعریف تفسیر بیان می‌دارد که: تفسیر عبارت است از هنر و فرایند کشف و تشخیص معنی یک قانون، وصیت‌نامه، قرارداد یا هر مدرک کتبی دیگر و به عبارت دیگر کشف و نمایش معنی صحیح هر نکته و علامتی که حاصل مضامین و ایده‌هایی باشد (Henry Campbell، ۴۲۰). در حقوق آمریکا مطابق ماده ۲۲۴ مقررات متحدالشکل تجاری، تفسیر به طور مستقیم تعریف شده است و این ماده بیان می‌دارد که: تفسیر عبارت است از توضیح معنی کلمات و اعلام اراده‌ای که یک توافق را به وجود می‌آورند. در تعریف کلمه توافق اعم از قرارداد است. لازم به ذکر است که تعریف تفسیر در قانون تعهدات سویس و فرانسه ارائه نشده است ولی تفسیر قرارداد در قانون مدنی فرانسه فصلی مستقل را از ماده ۱۱۵۶ تا ۱۱۶۴ به خود اختصاص داده است. (شهیدی، ۱۳۸۸، ۲۳۲)

ماده ۱۱۵۶ بیان می‌دارد: لازم است در قراردادهای قصد مشترک طرف‌های قرارداد احراز گردد و به معنی ادبی اصطلاح‌ها اکتفا نشود. در قانون مدنی سابق مواد ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ به مسئله تفسیر قرارداد پرداخته است و قانون مدنی جدید مصر و رویه قضایی آن و کشور همان قانون سابق را تکرار کرده است و قواعد جدیدی را با خود نیاورده است. (سنه‌وری، ۴۳۰، ۱۳۹۰). با توضیحاتی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم تفسیر قرارداد روشن ساختن و زدودن ابهام از قرارداد با توجه به اراده‌های طرفین قرارداد برای اجرای صحیح تعهدات است.

حالت‌های سه‌گانه تفسیر

در حقوق ایران درباره مبنای تفسیر قرارداد حکم خاص و روشنی وجود ندارد. قانون ایران در ماده ۳ ق.آ.د.م بیان می‌دارد: "دادگاه‌های دادگستری مکلف‌اند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده، حکم داده یا فصل خصومت نمایند. و در صورتی که قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد. دادگاه‌های دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه کشوری و عرف و عادت مسلم قضیه را قطع و فصل نمایند." و در اصل ۱۶۷ قانون

اساسی نیز می‌خوانیم: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید...". این دو حکم در یک مسیر و متمم یکدیگر است و نباید چنین پنداشت که با تغییر عبارت در اصل ۱۶۷ قانون اساسی دادرس را از استناد به عرف منع کرد یا "قانون" را از شمار منابع حقوق حذف کرد در ضمن تفسیر قانون با تفسیر قرارداد متفاوت است. چرا که در تفسیر قرارداد منابع خصوصی اشخاص مطرح است و در تفسیر قانون، منافع اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

در حالی که قانون مدنی مصر به روشنی مفهوم تفسیر را در مواد قانونی تبیین کرده و به مسئله تفسیر قرارداد طی مواد ۱۵۰ ق.م و ۱۵۱ ق.م پرداخته است.

بنابراین برای فرایند تفسیر قرارداد، لازم است حالت‌هایی به وجود آید که به خاطر آن نیاز به تفسیر قرارداد احساس گردد، در غیر این صورت وجهی برای صحبت از تفسیر قرارداد نخواهد بود و اگر مفاد قرارداد روشن، واضح و بدون تعارض باشد، دلیلی برای بیان تفسیر وجود ندارد، حال اگر مفاد قرارداد مبهم، در برخی موارد ساکت و دارای تعارض باشد توسل به قواعد تفسیر قرارداد که عبارت از ابهام در قرارداد، سکوت متعاملین و تعارض موجود در قرارداد است، بررسی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تفسیر عبارت است از رفع ابهام از قرارداد در راستای احراز قصد مشترک طرفین. قصد و اراده طرفین محور و اساس بحث در این پژوهش واقع شده است. این توجه و اهمیت به لحاظ طبیعت اثر عقد در قرارداد است. به این ترتیب نخست اراده خالق قرارداد بوده و حدود آن را مشخص می‌سازد و دوم در امر تفسیر عقد مهم‌ترین ابزار رفع ابهام به شمار می‌آید. از این رو توجه به قصد اشخاص با تمام شرایط و ویژگی‌های آن محور تفسیر قرار گرفته و دادرس از تمام وسایل و امکانات خویش برای واضح ساختن اراده مشترک طرفین استفاده می‌کند. با مطالعه در معانی لغوی و اصطلاحی تفسیر، آنچه متبادر به ذهن می‌گردد جنبه کاشفیت و پرده‌برداری آن است و تفاوتی نمی‌کند که تفسیر در معنی عام خود به کار رود یا در معنی خاص آن. محدوده و قلمرو تفسیر است که

تبیین بین فضای عام و خاص تفسیر را توجیه می‌کند، چرا که در معنای خاص خود موجد حدود و مرز مشخص با سایر نهادهای حقوقی دیگر مشابه از قبیل توصیف، تعدیل قرارداد است، ولی در معنای عام خود با توصیف، تعدیل و تکمیل قرارداد عموم و خصوص مطلق است. دادرس در تفسیر قرارداد از ابزارهای متنوعی استفاده می‌کنند. برخی از این ابزارها وسایل و مبانی تفسیر قرارداد هستند که به تشخیص ماهیت و مختصات قرارداد که مبتنی بر قصد مشترک طرفین و مقررات قانونی و همچنین عرف می‌پردازند. به نوعی در شناخت و کشف اراده مشترک انشاء کنندگان قرارداد به دادرس کمک می‌کند برخی دیگر از این ابزارها عوامل موثر در تفسیر هستند از قبیل عوامل داخلی قرارداد همانند اراده مشترک و طبیعت قراردادی برخاسته از خود قرارداد بوده و عوامل خارجی همانند قانون، عرف، اصل حسن نیت از مصلحت و منفعت اجتماعی ناشی شده‌اند. این ابزارها در تطبیق با یکدیگر همگی هدف والای خویش را رفع ابهام از اراده و تکمیل نواقص قرارداد برای اجرای آن می‌دانند. تفسیر قرارداد واجد مبانی و اصول خاص و متعددی است. از جمله اصول لفظی، اصول عملیه و اصولی حقوقی. که اولاً اصول لفظی اصولی که مبتنی بر عقل می‌باشند و مورد قبول عقلاست نمونه‌ای از این اصول که در بردارنده اصل حقیقت، اصل عموم، اصل اطلاق، اصل عدم تقدیر و اصل ظهور می‌باشد. دواماً اصول عملیه اصولی را گویند که هرگاه نسبت به حکم قضیه‌ای شک و تردید وجود داشته باشد یعنی دو احتمال متساوی که یکی بر دیگری قابل ترجیح نیست نسبت به قضیه وجود داشته باشد و دلیل یا اماره‌ای هم برای رفع تردید وجود نداشته باشد، در چنین حالتی به اصول عملیه تمسک کرده و حکم قضیه را روشن می‌کنیم. بدیهی است که استفاده از اصول عملیه فقط زمانی جایز است که از طریق تفحص و جستجوی لازم نتوانیم به دلیل یا اماره‌ای برای رفع شک و تردید دست بیابیم و تا زمانی که امکان دستیابی به دلیل و اماره وجود دارد توسل به اصول عملیه جایز نیست. اصول عملیه شامل اصل برائت، اصل استصحاب و اصل صحت می‌باشد. سوم: اصول حقوقی که ماده ۳ ق. آ. د. م فعلی، اصول حقوقی را که مغایر موازین شرعی نباشد به عنوان یکی از منابع تکمیل قانون برای حل فصل دعاوی بیان نموده است که ممکن است گاه در تفسیر قرارداد نیز بدان استناد شود. اصول حقوقی احکامی است که چندین قاعده از آن سرچشمه می‌گیرد. و قاعده ای مجرد، کلی و راهنما است که احتمال دارد مبنای

چندین قاعده حقوقی باشد: مانند اصل لزوم و آزادی قراردادها و اصل تفسیر به زیان تنظیم کننده قرارداد و اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد می‌باشد. در نهایت در قوانین ایران باب خاصی در مورد تفسیر قرارداد گنجانده نشده است هر چند بعضی از قواعد تفسیری به طور پراکنده در قانون مدنی یا قانون آئین دادرسی مدنی وارد شده است. این در حالی است که این نقصان و خلأ به شدت احساس می‌شود لذا ضرورت دارد قانون‌گذار بابتی را در این باره باز کند و به بیان اصول و مبانی و ابزارهای تفسیر قرارداد بپردازد.

فهرست منابع

- ابن زهره الحلبي، حمزه بن علي حسيني. (۱۴۱۷ه.ق)، غنیه النزوع، قم، مؤسسه امام صادق (ع)
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۳۴۳)، المغنی بیروت: دارالکتب العربی
- ابن نجیم مصری (شیخ زین الدین). (۱۹۹۷)، البحر الرائق، بیروت: دارالکتب العلمیه
- آخوندی، رضا. (۱۳۸۴)، عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه، تهران، نشر دادگستر،
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۸)، حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری و سازماندهی فعالیت تجاری)، تهران. انتشارات سمت
- اسکینی، ربیعا؛ بهنام فرید، دل افروز. (۱۳۹۰)، ساختار و ماهیت حقوقی حق العمل کاری، مجله حقوقی دادگستری ، شماره ۷۳
- اشمیتوف ، کلا یو. ام. (۱۳۷۱)، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران (تهران: انتشارات سمت
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، تهران انتشارات اسلامیه، چاپ نوزدهم
- بهنام فرید، دل افروز. (۱۳۹۲)، قرارداد حق العمل کاری (رابطه ی حقوقی حق العمل کار با طرفین معامله)، تهران: مجد
- جبعی (شهید ثانی) زین الدین بن علی. (۱۴۰۳ق)، شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
- حاجیان، هادی. (۱۳۹۶)، حقوق نمایندگی، تهران: انتشارات دانش نگار، چاپ اول
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان
- حماد، نزیه (۱۹۹۳ م). معجم المصطلحات الاقتصادیه فی لغه الفقها . چاپ اول. ویرجینیا: المعهد العالمی للکفر اسلامی
- خلاق، بهروز؛ امام، فرهاد. (۱۳۸۵)، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش ها حقوقی شهر دانش، چاپ دوم

- خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ ه. ق). البیع ج ۱. چاپ پنجم. قم: موسسه نشر اسلامی .
 رسایی نیا، ناصر. (۱۳۸۶)، حقوق تجارت، تهران، انتشارات ویستار
 الزحیلی، وهبه (۱۹۹۷ م). بیع الدین فی شریعه الاسلامیه. چاپ اول. دمشق: دارالمکتبی.
 ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، تهران، نشر دادگستر، چاپ چهارم
 شبیر، محمد عثمان (۱۴۱۹ ه. ق). المعاملات المالیه المعاصره فی فقه الاسلامی. چاپ دوم. عمان: دارالنفایس
 للنشر و التوزیع.
 شهیدی، مهدی (۱۳۸۶ ه. ش). آثار قراردادها و تعهدات. چاپ سوم. تهران: مجد.
 شهیدی، مهدی. (۱۳۸۸)، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم
 شورابی، عبدالحمید. (۲۰۰۱)، الالتزامات و العقود التجاریه، اسکندریه: منشاه المعارف
 طارم سری، مسعود. (۱۳۹۰)، حقوق بازرگانی بین المللی، تهران، شرکت چاه و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه
 مطالعات و پژوهش های بازرگانی
 طوسی محمدبن حسن. (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
 طوسی محمدبن حسن. (۱۴۰۷)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی.
 عالیه، سمیر. (۱۹۹۶)، علم القانون و الفقه الاسلامی، بیروت: موسسه الجامعیه
 عربصالحی، مهدی؛ صالحی کهریزسنگی، هاجر. (۱۳۹۱)، مبانی تئوری نمایندگی، مجله حسابداری و مدیریت مالی
 ، سال سوم- شماره ۱۱
 فرجی، حمید. (۱۳۸۶)، دلالی در حقوق ایران (تحلیل مسئولیت مدنی دلال)، تهران: انتشارات خرسند
 فیومی، احمدبن محمد. (۱۴۰۵ ه. ق)، المصباح المنیر، تهران: موسسه والهجره
 القطان، مناج. (۱۹۸۳ م)، التشريع و الفقه فی الاسلام، بیروت: موسسه الرساله
 قنوتی، جلیل. (۱۳۸۱)، ماهیت حقوق نمایندگی، مجتمع آموزش عالی، شماره ۱۲
 موسوی البجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۰ ه. ق). القواعد الفقهیه ج ۵. چاپ اول. قم: نشر الهدی.
 الناهی، صلاح الدین. (۱۹۶۲ م)، الوسيط فی شرح القانون التجاری العراقی، بغداد: بی نا، چاپ چهارم
 نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العرب.